



برسی مجازات اعدام

Study to capital punishment

syed milad alizadehjvahaeri , mohammadreza gholampour, Amirhosseinsafdari

امیرحسین صفدری

دانشجوی کارشناسی، حقوق، موسسه آموزش عالی غیر دولتی غیرانتفاعی شانددیز، مشهد

Email: Amirhosseinsafdari76@yahoo.com

محمد رضا غلامپور

عضو هیئت علمی، حقوق، موسسه آموزش عالی غیر دولتی غیرانتفاعی شانددیز، مشهد

Email: Notary39mashhad@gmail.com

سید میلاد علیزاده جواهری

استاد حقوق جزا، موسسه آموزش عالی غیر دولتی غیرانتفاعی شانددیز، مشهد

Email: milad-aj2001@yahoo.com

چکیده

در این پژوهش سعی بر این شده است نگاهی هر چند مختصر به این پدیده اجتماعی انداخته و در مورد برخی از آسیب های فردی و اجتماعی وارده از سوی آن به بحث و گفتگو بپردازیم و با این امید که در آینده شاهد کاهش میزان اعدام باشیم. روش در این پژوهش بر اساس تحقیقات میدانی و کتابخانه ای صورت گرفته است. اعدام در لغت به معنای نیست کردن، کشتن، و به عدم انداختن است و در اصطلاح شدیدتر و مهمترین نوع مجازات است که به حیات مجرم خاتمه میدهد. اعدام نوعی کیفر و مجازات و به عبارتی دیگر اشد مجازات برای محکوم است. این کیفر یکی از موارد پیش بینی شده در قانون برخی کشورهاست که در آن به حکم قانون و بر اساس حکم دادگاه -عمومی، جنایی، نظامی و غیره- زندگی یک انسان سلب می شود. برخی به حذف مطلق یا نسبی آن اقدام کرده اند تا به جرگه مخالفان اعدام درآیند و برخی با ابقای این مجازات، آن را مؤثر و بلکه پرتیر می دانند. مجازات اعدام در طول تاریخ از جهات مختلف به موازات سایر مسائل حقوق کیفری بسیار متحول شده است، چنانکه اغلب در قوانین قدیم، جرایم بسیاری مشمول این مجازات می گردید. اما به تدریج قلمرو قانونی اعمال این مجازات به جرایمی از قبیل قتل های عمدی و یا اقدام علیه امنیت کشور و بعضی جرایم بسیار مهم دیگر محدود شد.

واژگان کلیدی: اعدام، مجازات، جامعه



۱- مقدمه

از بدو تأسیس نخستین تشکلهای اجتماعی که احتیاج به وجود نظم و ایجاد مقرراتی برای حفظ امنیت و تنظیم روابط اجتماعی احساس شد، ضمانت اجرای مقررات تنظیمی نیز مدنظر بوده است. البته، در جوامع نخستین، عمده تضمینها (مجازاتها) با انگیزه‌های متفاوتی از قبیل انتقام‌جویی، اجرای عدالت، سزادهی و یا حمایت از جامعه وضع شده بود که مجازات اعدام همواره در رتبه اول مجازاتها قرار داشت (امیرعلایی، ۱۳۵۷). اگرچه با تغییر زمان و مکان، از لحاظ نحوه اجرای این مجازات، روش‌های متفاوتی اعمال می‌شده، با این حال، تا دهه پیشین، هیچ‌گاه از سیاست کیفری جوامع مختلف بشری حذف نشد. در دهه‌های اخیر، با پیدایش مکاتب مختلف کیفری، مشروعیت مجازات اعدام متزلزل شد. در برخی از کشورها، به‌طور کلی از فهرست مجازاتها کنار گذاشته شد و در برخی دیگر نیز به‌صورت قانون متروک درآمد و برخی نیز شمار اجرای آن را به حداقل ممکن کاهش دادند (آنسل، ۱۳۶۵). با این وجود، در نظام حقوقی ایران، مجازات اعدام، از مجازاتهای پیش‌بینی شده از سوی قانون‌گذار است. یکی از جرائمی که این مجازات برای آن وضع شده است، جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان است. اما در سال ۹۵ بطور کلی مجازات اعدام در خصوص جرایم مواد مخدر حذف شد. برای بررسی پیشینه اعدام که در تاریخ حقوق کیفری سنگین‌ترین مجازات بشری به شمار می‌رود از دیرباز در جوامع و ملت‌ها جهت برخورد با ناقضان قانون خود وجود داشته است. اولین سند تدوین شده رسمی به جا مانده به ۱۸ قرن قبل از میلاد مسیح و حکومت حمورابی شاه بابل بازمی‌گردد که در آن مجازات ۲۵ جنایت، اعدام پیش‌بینی شده است. در یونان باستان نیز از مجازات اعدام جهت مجازات جرمی چون قتل، خیانت و افلاطون معتقد بود اعدام تنها باید در مواردی اعمال شود که مجرم تجاوز و تحت قوانین دراکو به طور گسترده استفاده می‌شد اگر چه اصلاح‌ناپذیر است. از آن زمان تا کنون انواع روش‌های مجازات اعدام در سراسر جهان شامل مصلوب کردن، غرق کردن، ضرب و شتم منجر به مرگ، سنگسار، سوزاندن در آتش، چهارمیل کردن، دار زدن، تیرباران، صندلی الکتریکی و تزریق کشنده و اتاق گاز جهت مجازات مجرمان به کار می‌رود. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳)

۲- مبانی و چارچوب نظری

۲-۱- مجازات اعدام در ادیان آسمانی

دین زرتشت:

مهمترین اثر مدون شریعت زرتشت کتاب اوستاست که مشتمل بر پنج جزء است و پیرامون احکام جزایی باید به «وندیداد» مراجعه کرد. مطابق آیات ۵۰ تا ۵۵ در باب ازدواج، کسانی که ازدواج نکنند و بدون زن و فرزند بمانند، مستحق مرگ هستند. در آیات ۴۹ تا ۵۷ باب نهم، برای کسانی که بدون دانستن آیین مربوط به غسل، میتی را غسل دهند، مجازات مرگ با زجر در نظر گرفته شده است. کیفر زنا و لواط نیز اعدام است. در باب مجازات زانی و زانیه مقرر شده است هرگاه زن و مردی بیرون از آیین زناشویی آمیزش کنند، نخستین بار آنها را تازیانه میزنند، دومین بار آنها را گرد شهر میگردانند، سومین بار آنها را در بند جاوید می‌نهند یا اعدام میکنند. همچنین سقط جنین جزو بدترین گناهان بوده و مجازات اعدام داشته است. وضع چنین مجازات سنگینی، نشان دهنده اهمیت است که واضع برای ازدواج، تشکیل خانواده، بقاء نسل، رعایت نظافت و اجرای آیین‌های مذهبی قائل بوده است. (لسانی، ۱۳۸۳).



دین یهود:

درباره مجازات اعدام در دین یهود باید به «تورات» مراجعه کرد. کیفرها در شریعت موسی بسیار شدید هستند. بدعت فردی، بدعت گروهی، دعوت به بدعت و حتی خواب بدعت مجازات مرگ دارد. کسی که خدایان غیر را عبادت کند، سنگسار میشود. آدم دزدی، لعنت فرستادن بر پدر و مادر، کارکردن در روز شنبه، زنا، لواط، آمیزش با حیوانات، قتل عمد و ضرب جرح نیز مستوجب مجازات اعدام هستند.

دین مسیحیت:

برخلاف دین یهود که مجازات های بسیاری را وضع کرده است، در «انجیل» مجازات های اندکی مقرر شده و واکنش ها بیشتر ارشادی است تا تهدیدآمیز و سزا دهنده. چنانچه مجازات مرگ فقط در مورد ارتداد مطرح شده است. که البته جرم و مجازات آن اختصاصی به مسیحیت ندارد و در همه ادیان آسمانی و حتی ادیان غیر الهی نیز یافت میشود. (شمس ناتری، ۱۳۷۸)

دین اسلام:

در منابع اسلامی اعم از کتاب و سنت، جرائم مستوجب اعدام به سه دسته تقسیم شده اند:

۱- جرائمی که منجر به قتل عمدی شخصی که مستحق قتل نیست میشود و بنابر آیه ۴۵ سوره مائده مشمول حکم قصاص است: «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (در تورات برای بنی اسرائیل مقرر داشتیم که جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان و هر زخمی را قصاص است و هر کس از آن درگذرد کفاره گناهان اوست و هر کس به احکامی که خداوند نازل کرده است حکم نکند ستمگر است.) قصاص نفس در این موارد حکم الهی و جعل شارع است و اجرای آن حقی است که برای اولیای دم مقتول ایجاد میشود و آنها می توانند با گرفتن عوض یا بدون عوض، قاتل را عفو کنند. (سوره بقره آیات ۱۷۸-۱۷۹)

۲- برخی از جرائم حدی که شارع مقدس برای مرتکب آنها مجازات اعدام تعیین کرده است. این حکم برخلاف حکم قصاص نفس قابل عفو و گذشت نیست. جرائم حدی مستوجب اعدام را میتوان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: جرائم جنسی مستوجب اعدام مانند زناى محصنه، زناى به عنف، زنا با محارم و لواط.

دسته دوم: جرایم علیه دین و امنیت اجتماعی مانند محاربه و افساد فی الارض (سوره مائده آیات ۳۳-۳۴)، ارتداد، نفاق (سوره نساء آیات ۸۸-۸۹).

دسته سوم: تکرار جرایم خاص بعد از سه یا چهار مرتبه که در مرتبه سوم یا چهارم مستوجب اعدام میشود، مانند شرب خمر و زناى غیرمحصنه.

۳- تعزیرات و احکام حکومتی مستوجب اعدام: جرائم تعزیری جرمی هستند که در منابع اسلامی مجازات خاصی برای آنها در نظر گرفته نشده و تعیین آن برعهده حاکم شرع است و جرائم تعزیری خاصی هستند که مجازات آنها طبق نظر برخی از حقوقدانان و فقهای اسلامی اعدام است. همچنین حکومت اسلامی می تواند در صورت تشخیص مصلحت و برای حفظ نظام اسلامی، اقدام به جرم انگاری کند و مجازات اعدام را به عنوان حکم حکومتی تحمیل نماید.

۲-۲- مشروعیت مجازات اعدام (قصاص نفس) در اسلام

مجازات های اسلامی از جمله اعدام برمبنای دلایل اربعه استوار است و لذا مشروعیت آنها قابل تردید و انکار نیست. این دلایل عبارتند از:



قرآن:

اعدام از واژه های غیرمصرح قرآنی است که میتوان در باره آن با واژه های ذیل مطالعه کرد:

۱- قتل به معنای کشتن و صلب به معنای دار زدن، مانند آیه ۳۳ سوره مائده: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْأَخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش میجنگند و در زمین به فساد میکوشند این است که کشته یا به دار آویخته شوند یا دست و پایشان در جهت مخالف قطع شود یا از سرزمین خود تبعید شوند، این رسوایی آنهاست در دنیا و در آخرت نیز عذابشان بزرگ است)

۲- رجم به معنای سنگسار کردن، مانند آیه ۹۱ سوره هود: «قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ» (گفتند: ای شعیب! بسیاری از گفته هایت را نمیفهمیم و در میان خود، تو را ناتوان میبینیم و اگر به احترام قبیله ات نبود، سنگسارت میکردیم و تو در برابر ما قدرتی نداری.) در بررسی آیات قرآن پیرامون اعدام، دو نوع اعدام را میتوان شناسایی کرد:

نوع اول اعدام ناحق و ظللمانه است. مانند کشتن پیامبران خدا، آیه ۶۱ سوره بقره و آیه ۲۱ سوره آل عمران
نوع دوم اعدام به حق و عادلانه است. مانند اعدام قاتل در برابر جنایت وی یا قصاص نفس، آیه ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره.

سنت:

روایات بسیاری از امامان معصوم (ع) پیرامون مجازات اعدام نقل شده است که برخی از آنها عبارتند از:

روایتی از امام صادق: هر کس مؤمنی را عمداً به قتل برساند باید در مقابل کشته شود مگر اینکه اولیای دم به دیه مقتول رضایت داده و از قصاص وی بگذرند یا اینکه بالاتر از دیه یا کمتر از آن بگیرند که البته این عمل در هر صورت برای آنها از نظر اسلام جایز است. (صدر عاملی، ۱۳۶۷).

اجماع:

قصاص و احکام آن از مسائلی است که پیرامون آن اجماعاتی صورت گرفته است و اگر این اجماعات به خطا رفته بود، طبق فرموده حضرت محمد (ص) که: «امت من هرگز به خطا اجماع نمیکند»، امام عصر (عج) حاضر شده و حقیقت را برای آنها آشکار میساخت. لازم به ذکر است که همه فقهای سلف و معاصر درباره قصاص ادعای اجماع کرده اند. (عباسی زاده، ۱۳۷۸).

عقل:

عقل سلیم ضرورت قصاص و نقش مؤثر آن را در تأمین نظم، امنیت، حیات اجتماعی و کاستن از جرایم تأیید میکند. قصاص نه تنها موجب تشفی خاطر اولیای دم می شود بلکه مایه حیات سایر انسانها و جلوگیری از تکرار جرایم مشابه و انتقام جویی های فردی است. کشورهای که با هدف حفظ حیات و کاستن از خشونت تعداد جرایم، مجازات اعدام را لغو کرده اند به چنین نتایجی دست نیافته اند. (نورمان، ۱۳۷۳)

۳-۲- اعدام در حقوق اسلامی

اعدام قصاصی: این اعدام در قبال قتل عمد اجرا می شود و دارای شرایط خاصی است. حضور شاکی خصوصی در آن به قدری پررنگ است که آن را از قلمرو قواعد آمره خارج می کند و اجازه ولیّ فقیه و دیگر عوامل در آن مؤثر است.

اعدام حدّی: با توجه به تعاریف فقها از (حدّ) اعدام حدّی را می توان این گونه تعریف کرد: «مجازات مرگی است که از طرف شارع مقدّس معین شده و نمی توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد.



اعدام تعزیری: مجازات مرگی است که از سوی حاکم معین می‌شود. عموم فقهای شیعه اعتقاد دارند که اصل در تعزیرات، مادون حد است، ولی برای عدول از این اصل و اجرای مجازات بالاتر از حد، می‌توان به یکی از سه علت ذیل استناد کرد و اعدام تعزیری را جایز شمرد. این علل عبارتند از: ۱. مصلحت فرد و جامعه؛ ۲. افساد فی الارض. ۳. نهی از منکر. (تحریر الوسیله، امام خمینی،)

۲-۴- برخی از عوامل اعدام

تأمین عدالت:

مجرم با ارتکاب جرم از یک سو قانون را نقض کرده و حرمت احکام الهی را می‌شکند و از سوی دیگر به مجنی علیه و سایر افراد جامعه آسیب و ضرر رسانده، عواطف و احساسات آنها را جریحه دار و نظم و امنیت اجتماعی را مختل میکند؛ لذا چنین فردی عقلاً و قانوناً مستحق مجازات میشود. عدالت در مفهوم ابتدایی خود اقتضاء میکند که مجرم به همان صورتی که مرتکب جرم شده است، مجازات شود. نقش قصاص به عنوان مجازات جرم قتل عمد نیز جزء تأمین عدالت نیست. قصاص نفس تساوی کامل میان جرم و مجازات را برقرار میکند. هر چند که اعدام تنها راه برخورد با قاتل نیست و در تعلیمات اسلامی، عفو و گذشت بر اجرای قصاص ترجیح داده شده است.

بازدارندگی:

جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرم و پیشگیری از ارتکاب جرائم توسط سایر مردم از مهمترین اهدافی است که اسلام دنبال میکند. تاکنون هیچ مجازاتی نتوانسته است مانند اعدام انسانها را از ارتکاب قتل باز دارد و قاتلان را به سزای عملشان برساند. به بیان دیگر، مهمترین هدف اجرای مجازات اعدام، بازدارندگی و ارعاب عمومی است. در متون اسلامی نیز حفظ حیات انسانها که از طریق تأثیر بازدارندگی این مجازات و جلوگیری از انتقام جویی های فردی میسر میشود، مهمترین کارکرد قصاص نفس است. قصاص نفس موجب تشریف خاطر صاحبان خون شده و مانع از آن میشود که به انتقام جویی و خونریزی روی آورده و زندگی انسانهای بی گناه را به خطر اندازد. همچنین مجازات اعدام با تهدید حیات انسانها که با ارزشترین حق نزد هر انسانی است، کسانی را که اندیشه قتل دیگری در سر میپروراند، منصرف سازد. (خسروشاهی، ۱۳۸۰).

۲-۵- دلایل موافقان ومخالفان مجازات اعدام

دلیل اعتقادی وفلسفی:

دربین حقوق دانان و فلاسفه موافق اعدام این عقیده وجود دارد که هرگاه زندگی بزهکار آن قدر برای جامعه زیان بخش باشد که سود حاصله از اصلاح وی راتحت الشعاع قرار دهد اعدام او مشروع و پسندیده است. ولی مخالفین مجازات اعدام از لحاظ فلسفی ایراد کرده اند که جامعه حیات بخش نیست تا صلاحیت قطع حیات داشته باشد. حیات عطیه و ودیعه ای الهی است که از جانب باری تعالی به ابناء بشر بخشیده شده و به همین دلیل فقط پروردگار خالق انسان است که می تواند آنچه را که در اثر لطف و مرحمت خویش به انسان ارزانی داشته است هر لحظه که بخواهد از وی سلب نماید. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶). سن توماس آکویناس (داکن) معتقد است: «اگر جامعه برای زندگی نوع بشر ضرورت داشته باشد باید از تمام حقوق لازمه برای حفظ و صیانت آن از گزند اشخاص برخوردار باشد، استدلال مخالفین مجازات اعدام صحیح به نظر نمی آید و نتیجه آن لغو تمام مجازات های سالب آزادی است؛ زیرا جامعه به انسان آزادی عطا نکرده، بلکه ذاتاً و فطرتاً انسان آزاد خلق شده است. البته انسان حق صیانت و تمتع از آزادی که یک نعمت خدادادی است را دارد ولی این دو حق محدود است به حق حیات سایرین و رعایت آزادی آنان و چنانچه از حد خود تجاوز نماید از او سلب می شود و متجاوز باید به کیفر خود برسد. (علی آبادی، ۱۳۸۵). حقیقت این است که انسان همان طور که حق آزادی دارد، حق حیات نیز دارد؛ ولی اگر جامعه از مجازات کسانی که



نظم داخلی را مختل می سازد، خودداری کند، در فاصله ای کم هرج و مرج جامعه را فرا خواهد گرفت. بنابراین حق آزادی و حیات منوط به رعایت حق آزادی و حیات دیگران است. اما جامعه هم نباید به هر بهانه ای و برای مجازات هر جرمی به سلب حیات افراد متوسل شود.

اجرای عدالت:

طرفداران مجازات اعدام معتقدند که این مجازات تضمین کننده عدالت نسبی بشری است. برای مجرمی که با سنگدلی و قساوت جان فرد دیگری را گرفته، اعدام تنها مجازاتی است که باتوسل به آن می توان امیدوار بود که عدالت اجرا گردیده است. چرا که در این صورت مجرم به عنوان کفار گناه خود همان چیزی را از دست می دهد که از دیگری سلب نموده است. پروفیسور گارو پس از پذیرفتن اعدام برای قتل عمد در انطباق آن با اجرای عدالت می نویسد: «در چنین صورتی مجازات اعدام قطعاً با مفهوم عدالت منطبق است، زیرا با اهمیت جرم و گناه مجرم و استحقاق او به چنین کیفری مطابقت دارد». (پروفیسور گارو، ۱۳۹۰). به نظر مخالفین مجازات اعدام، کفار هدف واقعی مجازات نیست بلکه هدف از مجازات بهبودی حال محکوم است که به وسیله سازمان های تأمیینی، اصلاح بزهکاران را عملی سازند.

مجازات اعدام و ارباب مجرمین:

موافقین مجازات اعدام معتقدند که این مجازات از هر مجازات دیگری برای ارباب اشخاصی که مقاصد جنایی دارند موثرتر است و جامعه را از جنایات جدیدی که محکوم ممکن است مرتکب شود مصون نگه می دارد. مطابق این نظریه که نظریه سودمندی یا فایده گرایی مجازات نامیده می شود و بنام از طرفداران آن است مجازات اعدام با ایجاد رعب و وحشت در افراد دیگر، این فایده را خواهد داشت که آنها دست خود را با ارتکاب جرایم به ویژه جنایت آلوده نسازند، همان گونه که مونتس می گوید: کسی را که اعدام می کنند، اصلاح نمی کنند، بلکه افراد دیگری را با اعدام جنایت کار اصلاح می کنند (گورگانوس، ۱۳۸۱). به نظر موافقین اعدام، نزد انسان ها هیچ چیز عزیزتر و شیرین تر از حیات نمی باشد و هر فردی شعوری در حفظ و ایمن نگه داشتن آن بیشترین سعی و تلاش را بکار می برد. بنابراین تهدید به سلب چنین حقی بالاترین اثر را بر افراد خواهد داشت و مانع ارتکاب جرم از طرف آنان خواهد گردید.

در تأیید اثر اربابی اعدام تحقیقات و مطالعات بسیار دیگری نیز صورت گرفته و اساتید حقوق و جرم شناسی اظهار نظرهای بسیار در این زمینه نموده اند که پرداختن به همه آنها در اینجا میسر نمی باشد لذا ما به همین اندازه بسنده می نماییم. مخالفان مجازات مرگ عنوان می نمایند که بر خلاف تأکید بسیار طرفداران این مجازات بر اثر اربابی آن رد جامعه، این مجازات اثری در ارباب و عبرت دیگران ندارد و دلایل ارتکاب جرایم مسلم گردیده که لااقل در اکثر موارد نفع طلبی نمی باشد، تا مجرم باسنجش سود و زیان حاصل از ارتکاب جرم، به دلیل شدت مجازات از ارتکاب آن منصرف گردد. بکاریا در نفی اثر اربابی اعدام می گوید: تجربه همه قرون نشان میدهد کیفر اعدام هرگز مردمانی را مصمم به آسیب رساندن به جامعه بوده اند منصرف نکرده است (مظلومان، ۱۳۵۵). درباره افزایش آمار جنایت بعد از لغو اعدام که موافقان به استناد آمار جنایی بعضی از کشورها، آن را دلیلی بر اثر اربابی بالای اعدام می دانند، دقیقاً مخالف آن را طرفداران اعدام با اتکا به آمار جنایی کشورهای مثل اسکندیناوی و اتریش و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین که پس از لغو اعدام نه تنها افزایشی در آمار جرایمی که قبلاً مستوجب اعدام بودند صورت نگرفت، بلکه در مواردی کاهش نیز داشته، عنوان می نمایند.

همچنین به عقیده مخالفان اعدام، از روزی که علنی بودن اجرای مجازات اعدام در کشورها لغو گردید، اعتبار ارباب و عبرت جمعی آن نیز دچار خدشه گردید به گفته آلبر کامو: اگر بخواهند مجازات اعدام باعث عبرت شود باید ماشین اعدام را در میدان پر جمعیت شهرها بگذارند و تمام مردم را دعوت کنند و تشریفات اعدام را به وسیله تلویزیون برای غایبان نشان بدهند در غیر این صورت بحث از اثر عبرت در اعمال کیفر را باید متوقف سازند (هوگو، ۱۹۹۷).



امکان اشتباه در اجرای مجازات:

مخالفین اعدام بر این عقیده اند: از آنجا که هر انسانی ممکن است دچار خطا و لغزش شود چه بسا که دستگاه دادگستری در کار خود دچار اشتباه شده و فرد بی گناهی را به ناحق مجازات کند. در این صورت هرگز اشتباه قابل جبران نخواهد بود، علاوه بر این عواملی چون میل صدمه زدن به دیگری یا رفع اتهام از خود و یا از میان بردن رقیب یا شهادت دروغ، دلایل ساختگی، نادرست بودن نظر کارشناس و... می توانند در اشتباه قضایی دخیل باشند.

مخالفین برای توجیه دلایل خود به اعدام های متعددی که به اشتباه اجرا شده و راهی برای جبران آن وجود ندارد، استناد می کنند. در ایالات متحده آمریکا فقط در ظرف ۲۰ سال اخیر ۴۸ مورد اشتباه قضایی قبل از پایان دادرسی کشف گردید، که اگر طبق روال معمول دادرسی به صدور حکم منتهی می شد، قطعاً بسیاری از متهمان بی گناه این پرونده ها به کام مرگ کشیده می شدند. البته اینها مواردی بوده که کاملاً اتفاقی بی به وجود اشتباه در آن برده اند و شاید پرونده های بسیاری اشتباه رسیدگی و منجر به اعدام متهم بی گناه نیز شده باشد. علاوه بر این محققان آمریکایی از سال ۱۹۰۰ تا کنون ۲۳ مورد پرونده یافته اند که در آنها افراد بی گناهی اشتباهاً اعدام شده اند. (برنالد، ۱۳۵۳).

احساسات و لطائف قلبی:

گمان می رود، احساسات و ظرائف قلبی در قضاوت مجازات اعدام نقش مهمی داشته است مخالفین اعدام آن را بر خلاف آداب و رسوم اشخاص متمدن می دانند ولی باید توجه داشت که چنانچه مجازات اعدام لغو شود ناگزیر می شوند از جهت صیانت اجتماعی مجازات هایی که بیشتر نفرت انگیز است وضع نمایند زیرا تعبی که در مجازات اعدام دامن گیر مجرم می شود کوتاه است و برعکس در مجازات های سالب آزادی جنایی طویل المدت می باشد، بین کشتن بدون رنج دادن و دنج دادن بدون سلب حیات معلوم نیست اولی کمتر مقرون به اصول انسانیت باشد. (خزایی، ۱۳۵۷).

همچنین موافقین اعدام معتقدند که اعدام تحت تأثیر احساسات لطیف انسانی قرار می گیرند و فقط لحظه ارتکاب اعدام را در نظر می گیرند که به نظر آنها قبیح و زشت می آید و این واقعیت مسلم را که همین مجرم چه ظلم ها و خشونت ها نسبت به مقتول در مانده روا داشته را از یاد می برند. لذا اگر ناظر کلیه اعمالی که مجرم انجام داده می بودند لحظه ای در موافقت با ابقای اعدام درنگ نمی کردند.

اعدام وعدم توجه به امکان اصلاح مجرم :

مخالفین مجازات اعدام اظهار می دارند که هیچ فردی را نمی توان ذاتاً غیر قابل اصلاح دانست، در حالی که با اعدام مجرم امکان اصلاح و بازگشت وی به جامعه از بین می رود و در واقع به جای حل مسله، صورت مسله پاک می شود.

موافقین اعدام در پاسخ می گویند، اولاً این که هدف اصلی مجازاتها را اصلاح مجرمین بدانیم محل شک و تردید است. برای مجازات مجرم اهداف مهمتری مثل اجرای عدالت و حفظ اجتماع از جرایم مشابه (به وسیله ایجاد ترس در مجرم و سایر مجرمین بالقوه) نیز وجود دارد. ثانیاً، آمار موجود نشان می دهد که اکثر قاتلین تحت شرایط خاصی مرتکب قتل شده و مجدداً مرتکب قتل نمی شوند. بنابراین چنانچه اصلاح مجرم هدف اصلی ما در مجازات کردن قاتلین باشد اساساً در بسیاری از موارد نیازی به مجازات قاتل نیست. به علاوه تجربه ثابت کرده است که برخی از مجرمین غیرقابل اصلاح هستند یا لاقلاً اصلاح آنها برای ما، با ابراز و شیوه های موجود، ممکن نیست. مسلماً این امر دلیلی برای عدم مجازات آنها نمی باشد. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶).

اعدام وعدم توجه به عوامل اجتماعی جرم:

به نظر مخالفین مجازات اعدام، با اجرای این مجازات، دولتها خود را از شر مجرم رها می سازند بدون آن که نیازی به تلاش در جهت از بین بردن عوامل جرم را احساس نمایند. در پاسخ به این اشکال گفته می شود که، اولاً این ایراد در مورد همه مجازات ها قابل طرح است و اختصاصی به مجازات اعدام ندارد. ثانیاً، این که ارتکاب جرم را تنها ناشی از عوامل اجتماعی بدانیم و در این زمینه مسئولیت مجرم را نادیده انگاشته و به عبارت دیگر قوه اراده و اختیاری برای وی قائل نشویم به هیچ وجه قابل توجیه نیست. به کرات مشاهده شده است که



افرادی از لحاظ وضعیت اجتماعی و خانوادگی مشابه یکدیگر بوده اند ولی برخی از آنان مرتکب جرم می شوند، در حالی که بعضی دیگر فاقد کمترین سوء سابقه کیفری هستند. اگر فقر را علت ارتکاب جرایم مالی بدانیم باید همه فقرا مجرم بوده و در نقطه مقابل هیچ ثروتمندی مرتکب جرم نشود؛ در حالی که چنین نیست. درست است که ثروت معمولاً انگیزه ای در فرد برای ارتکاب جرایمی چون سرقت های معمولی و غارت مغازه ها باقی نمی گذارد اما نمی توان از این واقعیت نتیجه گیری کرد که فقر «علت» ارتکاب این گونه جرایم است. آب آتش را خاموش می کند اما فقدان آن موجب آتش نیست. آنهایی که معتقدند جرم را تنها می توان از طریق مبارزه با عوامل جرم زا از بین برد درست مثل مامور آتش نشانی هستند که از خاموش کردن آتش به این بهانه که موثرترین و بهترین راه برای کاستن از تعداد آتش سوزی ها از بین بردن علت حریق است خودداری می کند. به علاوه، تجربه های روزمره نشان می دهد که، حتی در مورد جرایم کوچکی مثل جرایم راهنمایی و رانندگی، نیز شدت یا ضعف میزان مجازات رابطه مستقیم با کاهش یا افزایش تعداد جرایم مذکور دارد. مثلاً اگر جریمه گذاشتن از چراغ قرمز جریمه اندکی باشد مسلماً رانندگان زیادی به راحتی مرتکب این جرم خواهند شد بدون آن که ترسی از مجازات به خود راه دهند. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶).

اعدام و قساوت در اجرای آن:

به نظر مخالفین، علاوه بر این که گرفتن جان یک انسان به خودی خود عملی وحشیانه و یادگار دوران بربریت است، اجرای مجازات اعدام باعث قساوت قلب مامورین اجرای حکم و حتی مردم عادی شده و آنان را از خوی انسانی دور می سازد. به نظر سزاربکاریا « مجازات اعدام به دلیل درس خون خواری که به انسانها می آموزد، مفید نیست.»

نشریه اسپکتاتور در یکی از سرمقاله های خود در سال ۱۸۳۱ ضمن انتقاد از اجرای اعدام در ملاء عام اظهار می دارد که در یک مورد مردم زیادی برای تماشای اعدام کسی که بنا بود اعدام شود حاضر شده بودند. وقتی چند دقیقه از ساعت اعلان شده برای اجرای حکم اعدام گذشت و مجرم به صحنه آورده نشد افراد حاضر شروع به سوت و دست زدن ممتد کرده و خواستار آغاز برنامه بودند، درست مثل اینکه در سالن نمایش یا سینمایی نشسته اند و در شروع نمایش یا فیلم تاخیر شده است. این گونه بی صبری در مشاهده جان دادن یک انسان دیگر نشانگر آن است که اعدام های علنی می تواند به تدریج روحیه رحم وشفقت را در کسانی که شاهد آنها هستند. از بین ببرد. این نکته یادآور صحنه هایی است که در سالهای اخیر در حین اعدام جنایت کارانی مثل « خفاش شب» در کشور خودمان شاهد بوده ایم که برای « تماشای» صحنه اعدام وی، بنا به گزارش جرایم، تعداد ۵۰ هزار نفر در سحرگاهان به محل اجرای حکم رفته اند و فروشندگان مواد غذایی نیز با استفاده از این فرصت به عرضه متاع خود به جمعیت بیکار تماشا کننده مشغول بوده اند. آیا این گونه اشتیاق برای مشاهده یک صحنه اعدام در یک جامعه سالم قابل توجیه است. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶).

بحث و نتیجه گیری

مجازات اعدام از ضمانت های اجتماعی اجرایی است که از گذشته در تمام جوامع و تمدن ها وجود داشته و قربانیان بسیاری را در بر گرفته است. با توجه به این که امروزه در بسیاری از کشور ها این مجازات لغو گردیده است و بسیاری از اسناد و معاهدات بین المللی نیز اعمال آن را نقض حقوق بشر می پندارند، ولی هنوز هم کشور هایی هستن که به دلایل سیاسی، اجتماعی و مذهبی و ... در قوانین خود حفظ و به اجرا می گذارند. هدف نهایی جرم شناسی، اصلاح و تربیت و جایگزینی بز هکاران در جامعه است بنابراین مجازات اعدام با این هدف مغایر است و تا زمانی که مجازات اعدام وجود دارد، امکان نخواهد داشت این اصلاح و تربیت و جایگزینی انجام شود. مخالفان اعدام بر این باورند که اثر ترس زایی نسبتاً سبکی که بدون استثنا و با سرعت و مستمر اعمال گردد بسیار دشوار از مجازات زودگذر و سنگینی است که احتمال اجرای آن کم است. به گفته سزاربکاریا سختی کیفر نیست که اثر عمیقی بر روح انسان می گذارد، بلکه طول مدت آن است، زیرا قوای حسی از تاثیرات ضعیف ولی پیاپی، آسان تر و پایدار تر از برخورد خشن ولی زودگذر موثر می شود. موافقان اعدام برای اثبات ترس زا بودن و لزوم انجام اعدام، استدلال می کنند در کشور هایی که مجازات اعدام لغو شده است نرخ جرایم افزایش یافته است یعنی با لغو مجازات اعدام، یک عامل مهم بازدارنده از بین می رود و افراد بدون ترس اقدام به اعمال مجرمانه می کنند. اما با توجه به حکیمانه بودن قوانین اسلام، به ویژه مجازات هایی همچون اعدام، بر حقوق دانان مسلمان متعهد لازم است که ضرورت و اهمیت اجرای قوانین اسلامی را برای جهانیان تبیین کنند، و با گسترش روابط حقوقی و قضایی بین کشورهای اسلامی، از نفوذ وسوسه های



ضداسلامی مخالفان اسلام جلوگیری کرده، از کیان اسلام و مسلمانان دفاع کنند. و امید است که مجازات اعدام در کشور با انجام اقدامات تأمینی و تربیتی که بر روی بزهکار انجام می شود باعث کاهش چشم گیری در جرم و جنایات باشد و شاهد حذف این مجازات در آینده باشیم.

منابع

۱. امیرعلایی، شمس الدین. (۱۳۵۷). مجازات اعدام، تهران: انتشارات دهخدا.
۲. آنسل، مارک. (۱۳۶۵). مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات آگاه.
۳. برنالد، لندکهن، ۱۳۵۳ ص ۹۱، به نقل از جانی پور، کرم مجازات اعدام در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه ص ۹۱، دانشگاه امام صادق، پایان نامه کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۸
۴. پروفسور گاور، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تحقیق ضیاءالدین نقابت، ص ۱۲۸، تهران: انتشارات ابن سینا.
۵. «تحلیل حقوقی اعدام». هفته نامه مشارکت ملی، ۵ نوامبر ۲۰۰۷. بازبینی شده در ۲۵ آوریل ۲۰۱۵.
۶. (-) تحریر الوسیله - امام خمینی (ره) ج ۲ ص ۴۶۴.
۷. خسروشاهی، قدرت الله، ۱۳۸۰، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، نشر بوستان کتاب قم، چاپ اول ۱۳۸۰، صص ۱۹۶-۱۹۱.
۸. خزایی، منوچهر، ۱۳۵۷، زمینه حقوق جزای عمومی ص ۳۹۱، چاپ دوم: تهران: انتشارات کانون وکلا. سال.
۹. رایجیان اصلی، تابستان ۱۳۸۳، مهرداد. مجله پژوهش حقوق عمومی شماره ۱۱.
۱۰. شمس ناتری، محمد ابراهیم، ۱۳۷۸، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، قم، نشر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، صص ۳۷-۴۲.
۱۱. صادقی، میر محمد، ۱۳۸۶، حقوق جزای بین المللی، تهران: میزان ص ۳۷۲.
۱۲. صادقی میر محمد، ۱۳۸۶، حقوق جزای بین المللی ص ۳۷۴-۳۷۶. تهران: میزان.
۱۳. صادقی، همان، ص ۳۷۸.
۱۴. صادقی، همان، ص ۳۷۸.
۱۵. صدرعاملی، حسن، ۱۳۶۷، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ ششم، جلد ۱۹، ص ۳۷، باب ۱۹، حدیث ۱.
۱۶. عباس زاده، حسن، ۱۳۷۸، جرمها و مجازاتها در اسلام، تهران، نشر آیدین، چاپ اول، ص ۲۳۲.
۱۷. علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۸۵، حقوق جنایی، ص ۱۹، ج ۱، سوم: تهران انتشارات فردوسی.
۱۸. قرآن کریم.
۱۹. گورگانوس، به نقل از جعفری، ۱۳۸۱. نوریها، ص ۲۷۷ به نقل از جعفری، فریدون، تحلیل مجازات اعدام در جرائم مستوجب تعزیر و مجازاتهای بازدارنده، ص ۴۷. دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد.
۲۰. لسانی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، مجازات اعدام در آیین زرتشت، نوشته شده در اسفند .
۲۱. مظلومان، رضا، ۱۳۵۵، جرم شناسی ج ۲ ص ۴۸. تهران: انتشارات خرمی.
۲۲. نورمان، مارسل، ۱۳۷۳، مجازات مرگ، ترجمه ابوالحسن سروقدم، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، چاپ اول، ص ۱۱۶).
۲۳. هوگو، ص ۳۴۸، سال ۱۹۹۷ به نقل از جعفری، همان، ص ۵۵).